

جزوه خلاصه

مسئولیت و سازندگی

جلد ۱ صفائی به کوشش

دکتر دستمالچی

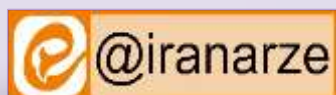
توضیحات:

- خلاصه شده در ۱۲ صفحه
- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- با قابلیت پرینت

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی مسئولیت و سازندگی، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»



جزوه خلاصه مسئولیت و سازندگی جلد ۱

چکیده فصل یک

۱- تعریف مسئولیت؛ نویسنده در تعریف مسئولیت، شناخت زمینه ها و دارایی ها، و اعتقادات را برای معناداری و پایداری تعریف ضروری می داند و می گوید انسان به میزان بهره مندی هایش و شناختی که از استعدادها و بهره مندیهایش در جهان دارد، و نیز به میزان درک ارتباطی که بین خود و جهان هستی و جهان معنا برقرار است، به همان میزان مسئول است.

با این تعریف مکتبهای فکری پس از رنسانس مثل اومانیزم و اگزیستانسیالیسم به دلیل اینکه مسئولیت مطرح در آن ها ریشه در اعتقادات و زمینه های حکمی و الهی ندارد، منجر به پوچ انگاری هستی و انسان می شود.

۲- زیربنای مسئولیت؛ زیربناهای مسئولیت بر پایه ی حکمت حاکم بر هستی تشریح شده است؛

الف) اگر نعمتی به کسی اعطا شده به همان میزان مسئولیت بر او محول شده است.

ب) نعمتهای هر فرد باید بارور شود و در محل درست خود صرف شود، نه بی استفاده بماند و نه در جای نامناسب خرج شود، تا حق مسئولیت فردی ادا شود.

در خلاصه ی این بخش آمده؛

۱- داده ها بازدهی می خواهند.

۲- سرمایه ها باید سود بیاورند.

۳- آنچه از خداست باید برای خدا باشد.

۴- مسئولیت بر پایه ی سه اصل ذکر شده معنا دارد.

۳- نوع مسئولیت؛ بهترین نوع مسئولیت، احساس مسئولیت در برابر خلق خداوند است. در راه کمال و تربیت خلق خدا. بدون تربیت حتی

پیشرفتهای مادی نیز مانند تیغ تیزی است که در دست کودکی نادان افتاده و قطعاً او را نابود خواهد کرد و خطرهای خواهد آفرید.

۴- راه شناخت مسئولیت؛

۱-رها شدن از اسارت امیال و هواهای نفس

ب- یافتن یک معیار و میزان برای سنجش؛ میزانی به نام عقل سالم

ج- مشورت با عاقلان در عین تفکر و تحلیل شخصی

د- سنجیدن اولویتها و اهم ها با توجه به شرایط و موقعیت

چکیده فصل دو

۱- مفهوم تربیت؛ این مفهوم با تشبیهی زیبا بیان شده؛ ساختن ماشین از آهن و ساختن آدم از بشر. یعنی آدمی که بر تمام استعدادهایش

حکومت دارد و می تواند آن ها را مدیریت کند و به آن ها در مسیر درست جهت دهد.

۲- امکان تربیت؛ آیا تربیت بشر ممکن است؟ بله. چون؛

ا- هر پدیده ای که تابع قوانین علی و معلولی است امکان تربیت آن از طریق شناخت قوانین، وجود دارد.

ب- به تجربه می توان دریافت که بشر در موقعیت های بحرانی، حوادث، مشکلات، پیش آمدهای ناگوار، بنا به تلطیف احساسات و عواطف، از عناد و انکار دست می کشد و از تجربه ها درس می گیرد و تربیت می شود.

۳- شکل تربیت انسان؛ تربیت انسان اگر با دست خود انسان و با انتخاب شخصی او همراه نباشد، در واقع مسخ کردن "من" انسانی و نفی کردن او محسوب می شود و استحکام ندارد.

۴- روشهای تربیتی؛ چند روش مطرح شده که از نادرست تا درست قابل تامل است؛

ا- با شعارها داغ کردن و با تلقین حرارت دادن

ب- شاخ و برگ دادن و در سطح کاویدن

ج- به دوش کشیدن و بغل کردن

۴- و روش درست؛ کلیدها و ملاکها و روشها را به دست دادن و روشنی دادن و ریشه دادن و زنجیرها را باز کردن.

برای تشریح روش چهارم از کتاب روح ملتها اثر آندره زیگفريد جمله ای نقل شده؛ "بعضی از حادثه ها را عشق می فهمد اما عقل از تحلیل آن عاجز است. و به داستان ابراهیم اشاره می کند و نتیجه می گیرد که عقل زبان عشق را نمی فهمد". نویسنده

در این قسمت مثالی می آورد و زندگی مرد جوانی را ترسیم می کند که تا پیش از عاشق شدن، مهم ترین دغدغه ی زندگیش

شیک پوشی و داشتن ظاهر مناسب است. اما بعد از اینکه دغدغه ی عمیق تری به نام عشق را تجربه می کند در یک حادثه ی

رانندگی، با رفتارش نشان می‌دهد که چگونه از علایق قبلی خود به کلی دور شده و به چیزی والاتر از وضع ظاهری دلبسته است و برای او، حتی از ظاهر خود و لباسهای شیک خود می‌گذرد. پس برای سازندگی و تربیت باید از اعماق شروع کرد. اگر می‌خواهیم رفتار و گفتار کسی را عوض کنیم باید پیش از هر چیز علایق او را عوض کنیم. شناختهای او را، افکار او را و در نتیجه اعمال او را.

۵- گستردگی مسئولیت تربیتی؛ بزرگترین مسئولیت انسان در جهان حاضر مسئولیت تربیتی است. انسان در هر طبقه و صنفی که باشد باید زیربنای تربیتی سالم و محکمی داشته باشد تا در حد خود بتواند به مربی دیگران تبدیل شود. در این بخش کمال مطلوب هر انسان این است که هر کس در هر کجا که می‌تواند مربی و سازنده باشد.

فصل سوم

مربی کیست؟

در این بحث سه نوع مربی نام برده شده است که دایره ی تربیتی شان از کوچک به بزرگ طراحی شده است.

۱- مربی سطح محدود که انسان را برای یک جامعه ی بسیار کوچک و محدود با نیازهای محدود و قابل پیش بینی و برای زمانی محدود، تربیت و آماده می‌کند.

۲- مربی سطح متوسط که شاگردش را برای جامعه ای بزرگتر (اجتماع) با نیازهایی متنوع و گسترده پرورش می‌دهد.

۳- مربی سطح وسیع که شرایط رشد انسان را برای زندگی انسان در جهان هستی مهیا می‌سازد.

اما هر سه نوع این مربی ها نمی‌توانند در تربیت انسانی که فقط متعلق به این دنیای مادی نیست و نیز تنها متعلق به زمان و مکان محدود نیست و قرار است زندگی ابدی داشته باشد، راهی از پیش ببرد. برای تربیت شایسته ی انسان مربی ای لازم است که استعدادها و محدودیتهای انسان، جهان خلقت، مبدا و مقصد خلقت را به درستی بشناسد تا بتواند نقشه ی تربیتی صحیحی برای انسان طراحی کند.

چنین مربی ای فقط خداوند است که شناختی تا این حد دقیق از انسات و ریزه کاری های خلقت او دارد. در حالی که مربیان دیگر بسیاری از قوانین حاکم بر انسان و خلقت را هنوز نتوانسته اند شناسایی کنند؛ چه برسد به استخراج برنامه ای مفید برای تربیت انسان.

به همین دلیل مربی حقیقی انسان خداوند است که برنامه تربیتی را از طریق وحی بر پیامبران نازل می کند و انسان به واسطه ی پیامبران و کتابهای آسمانی به این برنامه دست می یابد.

ویژگی مربی (که از طرف خداوند و به نیابت از او به این مقام می رسد)

۱- مربی الهی باید به تمام ضعفها، محدودیتها و راههای درمان و رفع آنها آگاهی کامل داشته باشد. این آگاهی نسبت به انسان، از طریق وحی یا سنت قابل دریافت است.

۲- مربی الهی برای شناخت روحیات انسان از تجربه و برخورد با انسانها و شرایط زندگی شان، نیز از طریق آموزش (کتاب و سنت) و همچنین بهره گیری از لطافت روحی و قوه ی فرقان(قوه ی تشخیص حق از باطل) که در سایه ی تقوا حاصل می شود، استفاده می کند.

ضرورت مربی

بدون مربی شاید انسان بتواند از طریق تجربه ی حوادث در طول عمر خود درسهایی بگیرد یا از طریق فلسفه ی عکس از شرایط بد نیز تربیت خود برای خود بازیافت کند. اما این روش تضمینی نیست و خطرات زیادی دارد. در حالی که عمر کوتاه و بازگشت ناپذیر انسان مجال این ریسکها را نمی دهد.

بنابراین اگر در شرایط مربی در دسترس نباشد به اضطرار می توان از روش ذکرشده تا حد امکان بهره برد. اما اگر مربی الهی یا تعالیم او حاضر باشد، باید تربیت و شکوفا شدن استعدادها را به مربی سپرد.

نقش مربی

۱- نقش مربی بارور کردن و شکوفا ساختن استعدادهای خفته و پنهان است.

۲- مربی مثل قطب نماست نه مثل ویلچیر. یعنی باید راه را نشان دهد و رهرو خودش با انتخاب و اختیار خود مسیر را طی کند، نه اینکه به زور او را در مسیری به جلو براند.

۳- مربی افقهای وسیع انسان کامل بودن را به انسان نشان می دهد و رهرو از این طریق فکر انسان را به آزادی و رهایی از انواع جبرها می رساند.

۴- مربی باید روشهای رسیدن به قله های معنوی را به انسان تعلیم دهد.

۵- مربی باید بالای سر تعلیم بیننده باشد و هر جا لازم شد با ابزارهای مناسب تذکر بدهد و تربیت را با تذکر و تکرار تحکیم بخشد.

فصل چهارم

روش تربیتی انسان

اسارتها و جبرهایی که انسان را گرفتار می کند؛

۱- جبر غرایز و امیال و شهوات (جبر درونی)

۲- جبر نیاز به تایید دیگران (جبر بیرونی)

۳- جبر کششهای دنیایی (جبر بیرونی)

۴- دشمنی شیطان (که با تحریک غرایز یا تزیین جلوه های دنیا انسان را گرفتار می کند)

برای رهایی از این نوع اسارتها و جبرها و برای تربیت شدن نیاز به نیرویی عظیم به نام عشق است که از تمام غرایز و جبرها قوی تر باشد و انگیزه ی آزادی را در انسان بیدار کند.

برای رسیدن به عشق چیزی باید ارزش آن چیز را شناخت. معرفت، عشق می آورد. برای شناخت، باید از تفکر و تجربه بهره برد.

و برای تجزیه و تحلیل درست تفکر و تجربه، باید از یک راهنما و رهبر کمک گرفت.

وظیفه رهبر و مربی؛

۱- تزکیه و در نتیجه آزادی؛ تفکر انسان بدون تزکیه دچار خطا خواهد شد. تزکیه و حق طلبی به انسان آزادی می بخشد و او را از طلب هر چیز دیگری رها می کند.

۲- تعلیم و آموزش؛ انسان بدون مربی برای شکوفا کردن استعدادهایش و فایده گرفتن از آن، دچار آزمون و خطای زیاد و در نتیجه از دست دادن بخش مهمی از عمر خود می شود. اما اگر زیر نظر مربی آموزش و پرورش ببیند بدون اتلاف عمر به نتیجه ی مطلوب می رسد.

۳- تذکر و یادآوری؛ برای رشد انسان تضادهای درونی و بیرونی و به جریان افتادن استعدادهای او لازم است. در این میان انسان مدام دچار غفلتهایی می شود که مربی با تذکر دوباره انسان را در مسیر حق طلبی و آزادگی قرار می دهد.

مربی خوب کسی است که با سوالات بنیادین شاگردانش را به تفکر و چالش بکشد و از بین سوالات درست، شاگردان را به مسیر صحیح و جواب کامل هدایت کند.

انسان در تفکر به چند اصل نیاز دارد؛

۱- در هر حادثه ای درسی وجود دارد که باید درباره اش تفکر کرد و آن درس را یافت.

۲- هر حادثه ای ارتباطی با گذشته و آینده دارد که انسان درباره ی این ارتباط باید تفکر کند و حوادث را منقطع از گذشته و آینده نداند.

۳- برای تفکر و تحلیل اتفاقات انسان باید در خلوت خود مسایل را واکاوی کند تا بتواند به نتیجه ی درست برسد.

چکیده فصل چهار

بخش تدبیر؛

تدبیر بستر تفکر است. تهیه ی یک سری اطلاعات و ارزیابی آنها؛ از مجموعه ی مداوم این اطلاعات و ارزیابی ها ساختمان فکری شکل می گیرد

که در رسیدن به برخی شناختها از جمله شناخت فرد و روحيات او کمک می کند.

* نقش رهبر در جهت دهی به تدبیر برای رسیدن به عمیق ترین برداشتها از عر واقعه و حادثه ی ریز و درشتی در زندگی فرد است.

انسانهای آگاه معنوی به همین دلیل به درک عمق مسایل نایل می شوند ، از هر لحظه ای درسی و حکمتی استخراج می کنند و معتقدند هیچ اتفاقی بدون پیغام نیست؛ باید در تدبیر چنان عمیق بود که در آن اتفاق پیغام نهفته را کشف کرد

بخش تفکر؛ در رسیدن به تفکر نیز رهبر لازم داریم تا نیروهای درونی ما از قوه به فعل درآید و در غفلتها و مشغولیتهای دنیایی فراموش نشو این نیروی درونی که در شناخت خودمان و سرمایه ها و استعدادهایمان، جهان هستی و خالقمان ما را کمک می کند، تفکر است البته تفکر با هوش و حافظه و عقل تفاوتهای اساسی دارد. تفکر مخصوص انسان است. فقط انسان می تواند از اطلاعاتی محدود به نتایجی موثق و ارزشمند برسد. در حقیقت تفکر قدرت نتیجه گیری است؛ در حالی که عقل قدرت اندازه گیری و سنجش است و هوش قدرت درک موقعیت. اینها باهم تفاوتهای بنیادین دارند.

* قوه ی تفکر می تواند از اطلاعات فراهم آورده ی قوه ی تدبیر به نتایج و شناختها برسد. بنابراین تفکر در رشد و سازندگی انسان نقش اصلی را بر عهده دارد.

* نقش رهبر در جریان تفکر، طرح سوالات هدایت کننده و متناسب با ظرفیتها و نیازهای فرد است.

* راه ایجاد هماهنگی بین نیازها، تدبیر و تفکر؛

۱- ابتدا شناخت صحیح نیازها و کمبودها

۲- شناخت منبع داده ها و نعمتها و سرمایه ها این هماهنگی با تعقل صورت میگیرد.

بخش تعقل؛ تعقل قوه ای است که تفکر را می سنجد و به نقد می کشد. زیرا در فرایند تفکر عوامل محیطی، تربیتی، وراثت، جبر تاریخی، و تقلیدها و تلقینها تاثیر می گذارد. وظیفه تعقل سنجش تفکر و تفکیک خالص از ناخالص است.

* وظیفه عقل سنجش و نقد در دو حوزه است؛

۱- حوزه ی هدفها و منافع

۲- آزادی از تعصبات و تقلیدها و انواع جبرها

* هدف نهایی، ایجاد هماهنگی بین تفکر و تعقل با دل است.

فصل پنجم

روش شناخت

* انگیزه ی شناخت در انسان؛

۱- نیاز

۲- کنجکاوی

انتخابهای انسان از شناختههای او نشات میگیرد.

* روشهای شناخت؛

۱- تخیل؛ در اثر فقدان یا کمبود تجربه و پاسخ برای سوالات اساسی، انسان دست به دامن تخیل می شود.

۲- تفکر؛ از طریق تجربه ها، تدبیر و استدلال و پس از رسیدن به آزادی، آموزش و یادآوری.

۳- تجرد؛ از طریق الهامات قلبی و دریافتهای شهودی دل.

۴- ترکیب استدلال و اشراق؛ اتحاد تفکر با تجرد، برای تکمیل و تقویت همدیگر.

۵- آزمایش و آمارگیری؛ از قرن ۱۷ با فلسفه ی حسی تجربی فرانسیس بیکن و رشد علمی اروپا شروع شد؛ برای اثبات قاطعیت در نتایج علوم تجربی.

۶- آزمایش و نمونه برداری؛ مطالعه ی نمونه ها برای رسیدن به نتایجی درباره ی کل مجموعه ی آن نمونه.

۷- نظریه و استدلال؛ پس از طرح نظریه ی نسبیت انشتین و پیدایش نظریات کوانتومی، قاطعیت علم هم زیر سوال رفت و جای خود را به احتمال و نسبیت با تکیه بر تجربه، حدس و نظریه داد.

۸- شناخت جامع؛ بهره گیری از شیوه های تلفیقی در شناخت، تلفیق اشراق و فلسفه در روش سورکین.

۹- طراحی اصول؛ یک سری قوانین طراحی میکنند و بر اساس آن قوانین به تحلیل و تفسیر پدیده ها می پردازند. مثلا طرح اصل تکامل. اصل تضاد...

خود این اصول باید درستی شان اثبات شود و بعد این اصول روش شناخت نیستند بلکه در بقیه ی روشهای شناخت باید از این اصول استفاده کرد.

*روش شناخت در اسلام، از تجربه و تدبر می رسد به تفکر و استنتاج؛ سپس در مرحله ی سنجش و نظارت از فیلتر عقل میگذرد.

چکیده فصل ششم

جهان بینی اسلامی

تعریف؛ جهان بینی یعنی نحوه ی نگرش انسان درباره ی جهان و انسان و نقش انسان در جهان هستی. برای شکل دادن صحیح به نگرشمان باید از کلیدها و معیارهایی استفاده کنیم. یک معیار درونی به نام تفکر.

تفکر با استفاده از داده هایی (که محصول تدبر است) ما را به خالق و حاکمی می رساند که ویژگیهای منحصر بفرد و متمایزی دارد که در هیچ آفریده ای یافت نمی شود؛ بی مثل و مانند بودن، بی نیاز از همه چیز و همه کس بودن، از نظر زمان و مکان نامحدود بودن، یگانه بودن. علاوه بر این، ویژگیهایی مثل زیبایی (چون خود خالق زیباییهاست)، بخشندگی، مهربانی، مونس و یاور بودنش باعث می شود عشق خالق و حاکم در دل انسان جا بگیرد (که همان ایمان واقعی است).

پس تفکر انسان را به شناخت خود، شناخت خداوند و ویژگیهای او، عشق و ایمان به او، می رساند. در سایه ی عشق و ایمان، اطاعت و تقوا حاصل می شود. اطاعت از او آزادی از غیر او و زهد می آورد. آزادگی باعث رسیدن به مقام رضا می شود. انسان در برابر عظمت او حیرت را تجربه می کند (حیرت ناشی از معرفت، نه حیرت ناشی از جهل و گم بودن)، و سپس به والاترین درجه ی بندگی یعنی مقام تفویض می رسد و تمام امور خویشتن و هستی اش را به خداوند واگذار می کند. بنابراین هندسه ی نظام اخلاقی اسلام یک هشت ضلعی است که با تفکر شروع می شود و با تفویض به پایان می رسد.

تفکر در استعدادها و سرمایه ها

برای شناخت استعدادها دو راه وجود دارد؛

۱- شناخت نیازها. چون نیازها از استعدادها ناشی می شود.

۲- مقایسه ی خود با سایر جانداران.

بعد از شناخت استعدادها، باید از آن بهره برداری کرد، یعنی به سمت هدف (که خلیفه الهی است) حرکت کرد.

در این حرکت و سفر، جهت حرکت خداوند است.

راه و مسیر، صراط مستقیم است.

مرکب سفر، تفکر، تعقل، عشق و ایمان... (هشت ضلعی نظام اخلاقی اسلام) است.

راهنما پیامبر و ائمه اند.

توقفگاههای بین راه از رحم مادر، دنیا و سپس بهشت است.

روش حرکت هم بر اساس برنامه های دینی و احکام الهی است.

تفکر در مقدار استعدادها، نامحدود بودن هستی انسان را آشکار می کند. انسان نامحدود با بهره گیری از فکر و عقل و وحی

این مسیر طولانی را طی خواهد کرد.

فصل هفتم

آرمانها

ارمانهای انسان بر اساس شناخت او از خود و نیازهایش شکل میگیرد. به تناسب رشد، شناختها و نیازها، ارمانهای والاتری را در

انسان ایجاد می کند. آرمان بزرگ انسان حاکمیت بر خود، جهان هستی و جهت دهی به آن دو است.

از بین مکاتب متعددی که ادعای آرمان خواهی بشر دارند، اسلام آرمانهایی بر پایه ی شناخت انسان طراحی کرده (و در رسیدن

به شناخت هم قبلا دیدیم که برنامه هایی دارد) که چارچوب هایی مستحکم دارد و فرد به اختیار و انتخاب خود آن آرمانها را

ارزشمندتر از سایر آرمانهای مطرح در جهان می یابد.

شناختها با احساسها گره خورده اند و احساسها با اعمال ما. شناخت بدون احساس منجر به عمل نمیشود. در حقیقت در مکتب اسلام و خدانشناسی، شناخت مجرد راه به جایی ندارد. شناخت توأم با احساس به انسان حرکت و پویایی میبخشد تا بتواند در سفرهای مختلف رشد خود را به مقصد برساند.

سفرهایی مثل؛

۱- سفر در خود برای شناخت خود، محدودیتهای و نیازها.

۲- سفر به سمت خدا با شناخت خدا و احساس عشق و ایمان.

۳- سفر از خدا به میان مردم (در عین عشق به خداوند و عشق به خلق خداوند)

۴- در میان مردم با مردم زندگی کردن و تمام لحظه‌ها حضور خداوند را در یاد داشتن.

۵- سفری از خدا تا خدا در طول زندگی با چنگ زدن به ریسمان الاهی.

این سفرها برای برآوردن نیازهایی است در زندگی عادی به هیچ وجه برطرف نمیشود. مسافر چنین سفری حقیقتاً مهاجرا الی الله است.

بنابراین دنیا مسیری برای گذر در این سفر است و ما مهاجریم و هر حرکت ما در مسیر و سایر همسفرانمان تاثیرگذار خواهد بود. پس باید حواسمان باشد تاثیر مخرب در هستی به جا نگذاریم تا بتوانیم سفرمان را به سفری برای رشد تبدیل کنیم، نه سفری برای سقوط.

چکیده فصل هشتم

شکل‌ها و شاغول‌ها

برای ساخته شدن شکل، زیربنایی لازم است. گروهی مسیرشان را با آزادی و تفکر انتخاب کرده اند و با ابزار شناخت و عقیده سفر رشدشان را شروع کرده اند. گروهی که از طاغوت رها شده اند و به عشق، ایمان و توحید رسیده اند. بنابراین شکل انسان مومن بر زیربناها و پایه‌های اعتقادی استوار است و با مسوولیت فردی و اجتماعی همراه است.

شاغولها؛ ۳عامل هدف، طرف و شرایط در شکل دهی انسان مومن تاثیرگذار است. اگر هدف رسیدن به حق و رضایت خداوند باشد، طرف هم خداوند باشد، شرایط هم به دلیل پایبندی به چارچوب تعقلی و اعتقادی، محدود باشد، تلاشها جدی تر و عمیق

تر خواهد بود. شاخه‌های سازندگی؛

۱- معاشرت. لطافت در معاشرت و وسعت دید و نرمش برای ارتباط برقرار کردن با روحیه های مختلف و کمک به آنها در رسیدن به مقصد.

۲- عمل. تاثیر عمل از گفتار بیشتر است؛ به شرطی که جهت عمل روشن باشد و عمل کننده هم مشهور باشد.

۳- ارشاد. انسانهای خدایی در زمان کم تاثیر مثبت زیادی روی دیگران و هدایت آنها می گذارند. مانند پیامبر(ص). (الف. مربیان الاهی چون به عظمت انسانی خود واقفند از اسارتها رها شده اند و براحتی در دیگران تاثیر الاهی میگذارند. ب. مربیان الاهی چون وسعت مسیر و مقصد را می شناسند جسم و روحشان با تلاشهای خستگی ناپذیر خو گرفته است. ج. مربیان الاهی با شناخت خود، مسیر ، نیازها، مقصود و محبوب خود را به عنوان هدف غایی تلاش هایشان برگزیده اند)

۴- طرح سوال. یکی از بهترین شیوه های برانگیختن حس حقیقت طلبی انسان همین شیوه است. آیا انسان پس از رسیدن به هدف ها و مطلوبهای دنیایی آرام می گیرد؟ اگر آرام نمی گیرد پس به دنبال چیست؟ محرک اصلی درون ما چیست؟ این سوال خود راهنماست به سمت حق.

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی مسئولیت و سازندگی، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»

